

از لابلای یادداشت‌ها و نبشته‌های روزمره ام

حاکمیت "طالب"ها در کشور و چشم انداز مناسبات افغانستان - پاکستان چین، پاکستان و چگونگی شکار ایالات متحده در افغانستان عوامل و فاکتورهای ناهنجاری در مناسبات دیپلماتیک

سیستم پیچیده سیاسی و چندگانگی قدرت در پاکستان
فضای عمیق بی اعتمادی و عدم باور به مدیگر
نفوذ فقی‌های ریاض بر جامعه پاکستان
سردرگمی بازیگران خارجی

روابط بین‌المللی به مطالعه و بررسی مناسبات میان کشورهای مستقل، سازمان‌های بین‌دولتی، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های چندملیتی گفته می‌شود. مناسبات بین‌المللی یک رشته دانشگاهی است که چون سیاست خارجی یک دولت معین را تجزیه و تحلیل و تنظیم می‌نماید. روابط بین‌الملل بمثابة یک فعالیت سیاسی از زمان توکویدیس مؤرخ یونانی در اوایل سده ۲۰ بیگ رشته دانشگاهی مجزا در داخل علوم سیاسی تبدیل شد. رشته روابط بین‌الملل همانند علوم سیاسی، موادفکری خود را از رشته‌های اقتصاد، تاریخ و حقوق بین‌الملل، فلسفه، جغرافیه، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی و فرهنگ‌شناسی می‌گیرد. هدف روابط بین‌الملل، درک مسایلی همچون جهانی شدن، اقتصاد و سیاست بین‌المللی، امنیت بین‌المللی، پایداری زیست‌محیطی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ملی‌گرایی، توسعه اقتصادی و مالی جهان، تروریسم و جرایم سازمان‌یافته، امنیت انسانی، مداخله خارجی و حقوق بشر می‌باشد. تاریخ روابط و مناسبات بین‌المللی بهزاران سال قبل باز میگردد. نظر به‌ای روابط بین‌الملل همانند تعاملات دولت، اندازه نیروهای مسلح، موازنه قوا و ... متمرکز هستند.

در نبشته حاضر، قبل از همه، تذکر این مسأله لازمی بنظر میرسد که بررسی و مطالعه مناسبات و روابط بین‌المللی بمفهوم وسیع کلمه و مناسبات میان کشورهای همجوار بمفهوم محدود کلمه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. ببینید، از همان اوان دایش پاکستان بمثابة یک کشور مستقل، رژیم‌های حاکم در امور و مسایل داخلی کشور‌های همجوار از جمله بمنظور ایجاد تنش در کشور عزیز ما، از هیچگونه سعی و تلاشی دریغ نورزیده‌اند. حاکمان کشور یادشده، با پایه‌گذاری و ایجاد "طالب"ها و در نهایت امر با حضور آنها در حیات سیاسی کشور ما، بیش از سایرین ذینفع پنداشته میشوند. اما بوضاحت بمشاهده می‌رسد که بویژه پس از بقدرت رسیدن گروه یادشده، معضلات و مشکلات گونه‌گونه‌ای در این مسیر همچنان موجود می‌باشد که یکی از آنها را می‌توان مسأله جنجال برانگیز اختلافات مرزی میان دو کشور پنداشت. آیا "طالب"ها در مورد مسایل یادشده با پاکستان حصول توافق‌هایی نایل خواهند گردیده و به پاکستان در این مورد امتیاز خواهد داد؟ در مورد چالش‌ها و فرصت‌ها در مجموعه مناسبات افغانستان - پاکستان، بویژه در شرایط و وضعیت موجودیت رژیم "طالب"ها، بایست متذکر گردید که با بقدرت رسیدن "طالب"ها به تاریخ ۲۶ ماه اسد سال پار، بر مجموعه مسایل مربوط بامنیت منطوقی، بویژه در تأمین توازن قوا در جنوب آسیا تأثیرات قابل توجهی بجا گذاشت. چه، پاکستان، بویژه در امر امضای تفاهم و حصول توافق‌هایی میان ایالات متحده و "طالب"ها، یکی از جمله ذینفعان عمده محسوب می‌گردد. اهداف رسمی اسلام‌آباد را می‌توان از جمله با اهداف جیو پولیتیک (جیو استراتیژیک) و جیواکونومیک تقسیم نمود. در گام نخست، استقرار رژیم وفادار بآن کشور در افغانستان کاز سیاست‌های ضد پاکستانی و متمایل بهند مانند حاکمیت‌هایی تحت رهبری کرزی و غنی، خودداری و اجتناب ورزیده شود، در اولویت قرار داشته و دستیابی

بآن از اهمیت فوق العاده و حیاتی برایش برخوردار می باشد. چه، منافع ژئوپولیتیک پاکستان در امر دستیابی مستقیم آن کشور بآسیای مرکزی و دسترسی بمنابع عظیم انرژی کشورهای یادشده که بخشی از جهان اسلام نامیده می شوند، نهفته می باشد. اسلام آباد، با بقدرت رسیدن "طالب"ها در افغانستان، از یکجانب خویش را برنده بازی کنونی محسوب نموده و از جانب دیگر، خودش را برای امریکایی ها بویژه بمثابه واسطه و عامل کلیدی در امر پروسه کنونی موجود در کشور ما معرفی نموده تا با استفاده از این ترفند، منفعت بیشتری را نصیب گردد. چنانچه در امتداد سال های ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹، ایالات متحده به بزرگترین کشور کمک کننده پاکستان مبدل گردیده و پاکستان از معاونت ها و مساعدت های غیرنظامی ایالات متحده نیز، بویژه در عرصه های انرژی، تأمین ثبات، آموزش، بهداشت، نیز برخوردار شده و سبب سازش اقتصادی آن کشور گردید.

از جانب دیگر، از نقطه نظر دید و نوع نگاه "طالب"ها، اسلام آباد در تحرک پروسه مذاکرات نقش سازنده ای ایفا نموده که در نتیجه در پاکستان از امر فرا خواندن نظامیان خارجی از سرزمین افغانستان و پایه گذاری مجدد "طالب"ها با سرور و شادمانی استقبال نمودند.

سومین مسأله مهم برای جانب پاکستانی ها، نقش و اهمیت جدید افغانستان در منطقه می باشد، جایی که پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی می توانند از طریق مسیرهای بین الافغانی با هم وصل گردند. تحقق مفکوره دهلیز انتقالی پاکستان از طریق افغانستان، بمفهوم وسیع کلمه میتواند پاسخگوی منافع جیوایکونومیک پاکستان محسوب گردد. در گام نخست، نایل گردیدن باینهمه موارد سهل و ساده بنظر می رسد، اما باید در نظر داشت که دستیابی باینهمه مسایل مورد نظر، آنقدرها هم ساده و بدون دردسرنمی باشد.

بایست یادآور شد که روابط و مناسبات افغانستان و پاکستان تحت الشعاع معضلات حل و فصل ناشده ای قرار دارد که یکی از آنها را می توان مشکل و معضل خط "دیورند" نامید که دو کشور را از هم مجزا نموده و اما تاکنون هم در افغانستان بمثابه مرز رسمی میان دو کشور پنداشته نمی شود. دیگری هم، نوع نگاه و نحوه موضعگیری "طالب"ها در قبال "تحریک طالب های پاکستان"، بگونه گسترده ای بر وضعیت امنیتی پاکستان تاثیرگذار می باشد. در مورد احیای مجدد "تحریک طالب های پاکستان" باید افزود که تحریک یادشده در امتداد سال ۱۳۸۶ به هدف ایجاد دولت منحصربفرد خودشان، پایه گذاری شد. در امتداد سال ۱۳۷۹، پاکستان شاهد انجام حملات تروریستی "تحریک طالب های پاکستان" بود. در جریان سال ۱۳۸۹، بیشترین حملات تحریک یادشده، عمدتاً در مناطق و محلاتی اجرا گردید که قبلاً "منطقه قبایلی" نامیده می شد و اکنون جزئی از ایالت خیبرپختونخواه محسوب می گردد بمثابه مرکز فعالیت ها و عملکردهای "تحریک طالب های پاکستان" مبدل گردیده بود. در مقایسه با ایالت سند که در آن بتعداد ۱۰۸ حمله و در ایالت بلوچستان که بتعداد ۱۷۸۰ حمله تروریستی در آنها اجرا گردید، شهرپشاور در مقایسه با مناطق و محلات دیگر پاکستان، مورد گسترده ترین حملات گروه تروریستی یادشده قرار گرفت.

با اینحال، این دهه فعالیت های تروریستی تحریک طالب های پاکستان با موانعی همراه بوده است. پس از رکود عملیات های تروریستی در سال ۱۳۹۹، تحریک طالب های پاکستان بتعداد ۱۲۰ حمله و اقدام تروریستی را در پاکستان انجام دادند که از جمله ۲۶ آن تنها در امتداد ماه پسین از قوه بفعول مبدل گردید. در مذاکرات سال ۱۳۹۹، نماینده های "تحریک طالبان پاکستان" از اسلام آباد خواهان دستیابی به منطقه خود مختار محلی در ایالت خیبر پختونخواه گردیدند. در امتداد سال پار، تلفات همکاران و دست اندرکاران بخش های امنیتی کشور پاکستان بصورت قابل ملاحظه ای (در حدود ۴۰ درصد) افزایش حاصل نمود. بگونه نمونه، در جریان سال پار، تحریک یاد شده در کوئته بانجام اقدام تروریستی مبادرت ورزید که در نتیجه آن بتعداد ۱۳ تن بخاک و خون کشانیده شدند. تروریست ها برنامه بقتل رسانیدن سفیر چین در پاکستان را نیز سازماندهی و اجرا نمودند. همچنان در آغاز سال پار، اقدام تروریستی دیگری به هدف قتل یک تن از شهروندان چینی در پاکستان انجام گردید. "تحریک طالب های پاکستان" با مجموعه "طالب"های افغانستان نیز دارای مناسبات و زد و بندهای منحصربفردی می باشند. حتا قبل از نایل گردیدن و تسلیمی قدرت توسط "طالب"ها در کابل، تحریک یادشده با بخشی از "طالب"ها، بویژه باشبکه حقانی وارد تعاملاتی گردیده بودند. بر بنیاد گزارش های سازمان ملل، تعداد مجموعی اعضای "تحریک طالب های پاکستان" در حدود ۴۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ تن تخمین می گردند. همکاری با "شبکه حقانی"، امکانات مخفی شدن آنها در مناطق شرقی کشور، بویژه در مناطقی که تحت نظارت و تأثیرگذاری شبکه یادشده قرار دارد، فراهم نمود. اسلام آباد از چگونگی سیر حوادث بگونه ای که اتفاق افتاد، راضی و خوشنود بنظر نرسیده و بیش

از همه، از تشدید حملات طالب های پاکستانی در هراس بود.

پشتیبانی وسیع و گسترده "تحریک طالب های پاکستان" از "طالب" ها در افغانستان، بخودی خود گویای واقعیت غیرقابل پیشبینی، یعنی علاقمندی "تحریک طالب های پاکستان" در سرنگونی حاکمیت سیاسی برهبری غنی در افغانستان بود. اما پس از نایل گردیدن "طالب" ها ب قدرت در کشورما، بتعداد ۲۳۰۰ تن از اعضای "تحریک طالب های پاکستان" از زندان های افغانستان رها گردیدند. با این وجود، موضع تحریک نامبرده بیش از پیش تقویه گردیده و ممکن بمتابۀ متحدان نزدیک "طالب" های افغان مبدل گردند.

"تحریک طالب های پاکستان" می تواند بمتابۀ آله فشار بر پاکستان بهدف حل و فصل مسایل کلیدی مبدل گردد. "طالب" های افغان، امکانات و زمینه های سازماندهی و تداوم گفتگوها میان پاکستان و تحریک طالب های آن کشور را بیش از پیش مساعد و مهیا نمودند تا باشد در مورد آینده و دورنمای اوضاع با جمع مغز سرد بیانیدشند. سراج الدین حقانی وزیر امور داخله و همچنان وزیر امور مهاجران "طالب" ها، بمتابۀ چهره های اثرگذار در مذاکرات یادشده مبدل گردیدند.

نباید فراموش نمود که زمامداران پاکستانی در شکل دادن و تنظیم سیاست در قبال افغانستان تحت تسلط "طالب" ها با مشکلات عدیده ای مواجه می باشند. اما معضل تسلط نظامی "طالب" ها و انزوای دیپلماتیک و اقتصادی آنها، می تواند حاکمیت "طالب" ها در کشورما را، بیش از آنکه بمتابۀ سرمایه ای برای اسلام آباد باشند، مبدل به بارسنگینی برای پاکستان نماید.

گسترش روزافزون بی ثباتی و مشکلات اقتصادی در افغانستان میتواند سبب گردد تا افغان های فقیر در جستجوی سرپناه بجانب پاکستان سرازیر شوند. اتحاد اسلام آباد با "طالب" ها می تواند روابط و مناسبات با ایالات متحده و سایر کشورهای غربی را نیز تیره نماید. قبل از همه، کوتاهی "طالب" ها در انجام اقدامات سازنده علیه شبه نظامیان پاکستانی کاز سرزمین کشورما علیه پاکستان فعالیت می نمایند، بخودی خود، امنیت داخلی پاکستان را با خطرات و تهدیدهایی مواجه می نماید.

در این مقطع پرسشی مطرح می گردد کایا مسأله خط "دیورند" می تواند بمتابۀ کانون تنش در مناسبات کشور های افغانستان و پاکستان مبدل گردد؟ در اینباره قبل از ارائه پاسخ، باید یادآور شد که خط تحمیلی "دیورند" که توسط هند بریتانوی ترسیم گردید، از همان آغاز تاکنون در افغانستان بمتابۀ مرز رسمی میان دو کشور پذیرفته نشده است. چنانچه واضح و مبرهن است که خط "دیورند" بمتابۀ خط مرزی در زمان حاکمیت امیر عبدالرحمن خان در افغانستان در نتیجه توافق میان اداره هند بریتانوی و امیر یادشده در امتداد سال ۱۲۷۲ بر پیکر کشورما تحمیل گردید. از سال ۱۹۴۷ بود که کشوری بنام پاکستان در نقشه جهان عرض وجود نمود، اما خط "دیورند" هیچگاهی و توسط هیچکدام از حاکمیت های سیاسی در کشور، اصلن بر رسمیت شناخته نشد. حتا با ب قدرت رسیدن "طالب" ها در کشور نیز از بر رسمیت شناختن خط یادشده ابأ ورزیده شد و معضل مرزی میان افغانستان و پاکستان همچنان بمتابۀ مشکل و معضل مرزی، حل ناشده ای باقی ماند. در امتداد سال ۲۰۱۷، پاکستان گویا بهدف جلوگیری از انجام حملات علیه پاکستان، بایجاد و ساخت و ساز در امتداد خط "دیورند" نیز مبادرت ورزید.

بدین ترتیب، پاکستان بگونه یکجانبه بمنظور حل و فصل معضل مرزی میان دو کشور پیشقدم شد. نحوه عملکرد پاکستان بویژه در امتداد خط "دیورند" بر بنیاد امکان ردیابی و نظارت از جابجایی افراد و اشخاص قرار داشت، چه، پاکستان در درازمدت بمنظور دستیابی با اهداف ستراتیژیک و جلوگیری از فعالیت ها و عملکردهای موجود بمنظور ایجاد و تشکیل پبنتونستان بزرگ کامنیت داخلی پاکستان را با تهدید مواجه خواهد نمود، از هیچگونه سعی و عرق ریزی اجتناب نخواهد نمود.

آرزومندی های جانب پاکستان در مورد حل و فصل معضل "دیورند"، مؤفقتانه از آب بدر نیامد. چه، ب مجرد ب قدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، توسط ذبیح الله مجاهد، بمتابۀ سخنگوی "طالب" ها اعلام گردید که تقسیمات مرزی میان دو کشور و ترسیم خط "دیورند"، خانواده ها و شهروندان کشورما را از هم مجزا نموده و اظهار نموده که ضرورت ایجاد شرایط و وضعیت مناسبی بمنظور حل و فصل مسایل یادشده باید در دستور روز قرار گیرد که در نتیجه آن نیازی باعمار و ایجاد و ساخت و سازهای استحکاماتی، اصلن محسوس نباشد. اعلامیه یادشده، بخودی خود، بازگوی سیاست و موضعگیری "طالب" ها در نخستین روزهای حصول قدرت در کشور پنداشته می شود.

"طالب" ها در صدد توقف ساخت و ساز موانع مرزی در امتداد خط "دیورند" شده و به تخریب واز میان برداشتن

بخش هایی از موانع اعمار شده مبادرت ورزیدند. آنها بصراحت اعلام نمودند که بمنظور حصول مأمول فوق، "طالب"ها از همه امکانات موجود استفاده بعمل خواهند آورد.

بر این بنیاد، در جریان ماهای پایانی سال پار، "طالب"ها به تخریب برخی موانع اعمار شده در امتداد خط "دیورند" مبادرت ورزیدند. در جریان ماهای قوس - جدی سال پار، درگیری های مسلحانه ای میان "طالب"ها و نظامیان پاکستانی در امتداد خط یاد شده بوقوع پیوست. جانب پاکستان در صدد آن شد تا از تشنج بیشتر اوضاع جلوگیری نماید. باین ارتباط، وزارت امور خارجه پاکستان با نشر اعلامیه رسمی متذکر گردید که مسأله فوق بایست میان مقامات رسمی دولت ها و از مجرأ های دیپلوماتیک حل و فصل گردد. از لحاظ عملی، بر بنیاد اعلامیه بنشر رسیده، کمیته مرزی بمنظور حل و فصل مسایل عمده مرزی از جمله، نظارت کامل از مرزها باید ایجاد گردد. در اینجا، تذکر این مسأله لازمی بنظر میرسد که با وجود اقدامات تهدید آمیز در امتداد خط "دیورند"، اصل مسأله مناسبات با پاکستان بمنظور برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت "طالب"ها در افغانستان، برای "طالب"ها از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد.

در نهایت امر بایست خاطر نشان گردد که وضعیت و شرایط کنونی و حاضر در مناسبات افغانستان - پاکستان نشا ندهنده این واقعیت می باشد که موقعیت و نحوه عملکردها و نوع موقعیت "طالب"ها در افغانستان، برای کشور پاکستان، هم چالش ها و هم فرصت های فراوانی را ببار آورد.

در مجموع و بمفهوم وسیع کلمه نباید فراموش نمود که با قدرت رسیدن "طالب"ها در کشور، بر معضلات بیشمار پاکستان باز هم افزوده شد. در مقابل، وضعیت و نحوه کنونی مناسبات و روابط افغانستان - پاکستان، بگونه قطع در حال شکوفایی بوده که می توان آنرا بمتأبه دوستی "طالب"ها با پاکستان آنهم بر بنیاد ماهیت اهداف و خصوصیت های برداشت آنها از قضایای موجود شمرد که منجر به مناسبات محکم و دوامدار رسمی و غیر رسمی دولتی میان آنها گردیده است.

با موجودیت تمامی ضد و نقیض ها و تضاد های موجود، "طالب"ها به برهم زدن مناسبات با اسلام آباد علاقمند نمی باشند، چه، بویژه در دهه های پسین، آنها از "طالب"ها در سرزمین پاکستان مهمان نوازی نموده و بگونه سخاوتمندانه ای معاونتهای مالی و تسلیحاتی را در اختیار آنها قرار دادند. اما باید خاطر نشان گردد که "طالب"ها هرگز در مورد مسایل مرزی در صدد دادن امتیاز به پاکستان نبوده و می توانند از "تحریک طالب های پاکستان"، بمتأبه آله فشار علیه پاکستان بگونه اعظمی استفاده نمایند.

در نهایت امر، در مورد دورنمای مناسبات افغانستان - پاکستان بایست متذکر گردید که قراین چنین بر می آید که تکوین تحولات در کشور عزیز ما افغانستان را نمی توان با نحوه پیدایش و فعال گردیدن رادیکالیسم به مفهوم وسیع کلمه بی ارتباط تصور نمود.

هدف نهایی اسلامگراها که تصرف بی چون و چرای قدرت و ایجاد و پایه گذاری حاکمیت مذهبی می باشد، همچنان بدون تغییر باقی خواهد ماند. دستیابی به هدف یاد شده را از هر طریق ممکن مسلحانه و یا صلح آمیز، بمتأبه رسالت خویش می پندارند.

دروضعیت کنونی موجود و شرایط حاضر، چنین تصور می گردد که سقوط افغانستان، بگمان اغلب که وضعیت سیاسی پاکستان را بیش از پیش با مشکلات و معضلاتی مواجه خواهد نمود.

در اینمورد، محافل حاکمه پاکستان درباره موضوعگیری های شان در قبال وضعیت موجود در منطقه، بیش از هر زمان دیگر، اگر اندک هم شده، بایست با تفکر و عقل سلیم برخورد نموده و ستراتیژی های بعدی شان را با در نظر داشت منافع و مصالح کشورهای منطقه ترتیب و تنظیم نمایند. در غیر آن، گره کورتشنج اوضاع منطقه هرگز گشوده نخواهد شد.

شنبه اول ماه اسد سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۳ ماه جولای سال ۲۰۲۲ ترسای